

وچند درین عهد بوددی غاشیه این مزد مردان را بر گرفتدی و مشتعل  
 خرد نهاددی خان سالار فقیر محمدی اوست ما بظنیل وی ذوق میکیم همه  
 اصحاب انصاف دادند و آفرین کردند بعد از آن شیخ مولانا شیخ کفایت منیر از جمله  
 بیا زمان آن سلطانم و این بنیت را بخواند شعر **لولا فینا لالوهیته** صورت  
 هرات لا اکتفی ولا ترد **سولا تا شمس الدین محمد بن مله داوود میرزا**  
 خدمت مولوی دلفاب وی چنین نوشته است مولوی الاعز الداعی الخیر صلا  
 الارواح سزالمشکوه و الزاجیه والمصباح شمس الحق والذین تو الله والاولین  
 والآخرین وی گفته هنوز در مکتب بود و در راه هوشیاره بود هر که چهل روز مرت  
 گذشت از عشق سیرت محمدی سرا آردوی طهارت بودی و اگر سخن طبعه کفشدی  
 بدست و سرفراز آن کردی وی سرید شیخ ابوبکر سکه باف بنی زشت و بعضی  
 گفته اند سرید شیخ دکن الدین سخا می بوده است که شیخ احمد الدین که ما فی زیرید  
 وی است و بعضی گویند که سرید با کمال چندی است وی شاید که بصحبت همه  
 باشد و از همه تربیت یافته بود و در آن حال پوسننه سفر کردی و مند سیاه بود  
 و هر جا که رفتی دکان سزای فرو آمدی و گویند چون محط بغداد رسید شیخ احمد  
 کربانی داد بافت فرمود که در چه کار می گشت ماه را در زطشتت آبی بهمی مولا تا شمس الدین  
 فرمود که اگر بر کردی و بنیل نداری چرا و آسایش می بینی و گویند که در آن وقت که سولا تا  
 شمس الدین در صحبت با کمال بوده شیخ غزالدین عراقی بنی بر جیب فرموده شیخ

بنی که در میان علویان و آلده اصفهانی  
 و مؤثر بودی آن صورت بودی و من  
 این سخن را کلمات بنویسد و درین ام  
 غزالدین است

معنی از عزیز تر از ای خلق به یکی خلاصه  
 جاهت سز مشکوه و زجام و مصباح سکه  
 نفس شایسته و مصباح است وی فرمود  
 دلچ

سوز و شگافه مؤثر بود  
 معنی از عزیز تر از ای خلق به یکی خلاصه  
 جاهت سز مشکوه و زجام و مصباح سکه  
 نفس شایسته و مصباح است وی فرمود  
 دلچ

بها الدین

بها الدین زکیا انجام داده است و هر گنجی و کشفی که شیخ غزالدین عراقی را روی فرموده  
 هزار دینار نظم و نظر اظهار میکرد و بنظر با کمالی رسانید و شیخ شمس الدین  
 هیچ از آنها اظهار نمیکرد روزی با کمال ویرا گفت فرزند شمس الدین از آن سر و سینه  
 که فرزند غزالدین عراقی اظهار میکند تو لایح می شود گفت پیش از آن مشاهده یافتند  
 آنها اسطراککه وی بعضی مصلحات و تزیینات می تواند که آنها را در لباس نیکو جلوه  
 دهد و سر آن قیمت نیست با کمال فرمود که چو سبب آنه و بیای ترا مصاحبه روزی کند  
 که معارف و حقایق قرآین و کتبین را بنا بر وفق اظهار کند و شیخ حکم کرد و او را پیش  
 جاری شود و بسیار سز و صفت در آن نظر از آن لباسها و تزیینات مولا تا شمس  
 الدین در تاریخ سینه آنتسین و اربعین و ستماه در اثنای مسافرت بقونیه رسید  
 در خان شکر ریان فرمود آمد و خدمت مولا نادران زمان بشدید علوم و مشغول بود  
 روزی با جماعت فضلا از مدسه بیرون آمد و از پیش خان شکر ریان میگذشت  
 خدمت مولا تا شمس الدین پیش آمد و عنان سرک مولا تا را گرفت و گفت با اما **السلیمان**  
 باین بزم حرکت راستی با مصطفی صلی الله علیه و سلم مولا تا گفته که از هببتان سوال  
 گویند که هفت آسمان از یکدیگر جدا شد و بر زمین ریخت و آلتی عظیم از باطن من بر ماغ  
 منزه و از آنجا دیدم که در وی تا ساقی عرش بر آمد بعد از آن جواب داد که حضرت مصطفی  
 صلی الله علیه و سلم بزیر کبریا عالمیانست چه جای باین بداست گفت پس چه معنی دارد  
 که مصطفی صلی الله علیه و سلم میفرماید ما عرف الحق مع قرینک و ابویزید میگوید

خباغه علم بر لانا شمس الدین  
 واقع شده

داوود را بنویس که در حرکت  
 حاضرین و من با درگاه پادشاهان  
 ۳۸